تعبیر حاجی سبزواری از نحوه درک کلیات؛ «انه علی سبیل الفناء فی القدسی»

همین چنگ زدن را در مباحثه عرض کردم که تعبیراتی که حکمای ما دارند، بالاتر از چنگ زدن است. آنها نمی‌گویند ذهن ما چنگ می‌زند، بلکه آنها می‌گویند اتحاد عاقل به معقول؛ اتحاد حاس و محسوس. بلکه تعبیر درستترش را مرحوم حاجی در منطق منظومه داشتند. حیف است منطق منظومه خوانده نمی‌شود. شوخی می‌کردند و می‌گفتند منطق حاجی، فلسفه است و فلسفه حاجی، عرفان است و عرفانش دیگر معلوم نیست چیست! خدا رحمتشان کند. به منظرم در منطقشان فرموده بودند: درک کلیات توسط نفس به فناء در قدسی است؛ «و ثالثها أنه علی سبیل الفناء فی القدسی و البقاء به»[1]؛ نه چنگ زدن است و نه اتحاد است؛ اینها نیست و همه اینها بیانات مقدماتی است، بلکه «بالفناء فی القدسی» است. فناء فی القدسی با علم حصولیای که ما داریم، منافاتی ندارد و باطن آن است. یعنی ابتدا فناء صورت می‌گیرد و بعد در لوح نفس، به‌خاطر آن فناء، اشراقاتی صورت می‌گیرد. فناء هر عقلی اگر در قدسی بیشتر باشد، به‌همان‌دی او از علوم حصولی و سان دادن آنها هم بیشتر است. چرا؟ چون آنجا از فناء فی القدسی یک نوری به دستش می‌آید... . اینها عباراتی است که دارند.

عرض من این است: چون الآن بشر ابزاری دارد که افلاطون‌گرائی را در چشم بشر می‌آورد، به زودی این علوم بین رشته‌ای چنین می‌شود که در مغز به‌دنبال چیزی می‌گردند که شبه آنتن است و می‌خواهند ارتباط آن با بیرون این دماغ را پیدا کنند.

---

[1] شرح المنظومة ت حسن زاده آملي نويسنده : السبزواري، الملا هادي جلد : ۱ صفحه : ۲۹۶

بازبینی #3
ایجاد شده 16 سپتامبر 2024 14:33:54 توسط ... .
به روزرسانی شده 6 فوریه 2025 13:10:04 توسط ... .